



خیام و ترجمه کردی رباعیات

عبدالله
آزمون

حکیم ابوالفتح غیاث الدین عمر بن ابراهیم خیام (خیامی) یکی از بزرگترین دانشمندان و ریاضی دانان و شاعران قرون وسطی در ایران است . دانشمندان و محققین شرقی و غربی در خصوص این حکیم بزرگ تحقیقات مفصلی کرده اند و در شناسائی او بیجهان کمال کوشش را نموده اند . چنانکه ناتان هسکل دول Nathan Haskel Dule گوید: «نیگمان گردآوری همه مراجع مربوط به عمر خیام مستلزم یک عمر است و خود یک کتابخانه بزرگ را پر خواهد ساخت.»

عمر خیام دارای تألیفات فراوانی است که همه چاپ و منتشر شده اند. (۱)

شهرت خیام در اروپا از نیمه قرن هفدهم میلادی شروع شد. نخستین کسی که خیام را در اروپا معرفی کرد مستشرق معروف انگلیسی دکتر تماش هاید Thomas Hyde بود که در کتاب خود با نام: «تاریخ مذهب پارسیها و پارتها و مادها» بعضی از رباعیات خیام را بزبان انگلیسی ترجمه کرد و در سال ۱۷۶۰ میلادی در اکسفورد انتشار داد. در اوائل قرن هیجدهم سر گوراوزلی

۱- لازم است ذکر شود که رساله «کون و تکلیف» که خیام بر روی نوشته است بسال ۱۲۳۰ هجری در مجموعه جامع البدایع باهتمام سید محی الدین سبزی کردی که از اکراد دانشمند مقیم مصر است چاپ و منتشر شده است .

Sir Gore ouseley سفیر انگلستان در دربار فتحعلیشاه اولین ترجمه رباعیات خیام را نشر داد. پس از آن ادوارد بیلز کول Byles cowell انگلیسی رئیس مدرسه سنسکریت در کلکته بیشتر خیام را به عالم غرب شناساند و او ادوارد فیتزجرالد شاگرد خود را با افکار خیام آشنا ساخت. فیتزجرالد ۷۵ رباعی را بنظم ترجمه کرد و حتی نقاشان بزرگی مثل ادmond دولاک Edmund Dulac انگلیسی و رایبندانات تاگور فیلسوف و هنرمند هندی تصاویری برای رباعیات خیام ساختند.

ترجمه فرانسوی هم بوسیله ژ.ب. نیکلا J.B.Nicolas و کلود آنه Claude Anet و چند نفر دیگر صورت گرفت. ترجمه روسی هم بوسیله تاردف Tardoff قنصل سابق دولت شوروی در اصفهان و بوشهر انجام یافت. ترجمه اسپانیولی رباعیات وسیله ویوئس پاستور Vioes pastor صورت گرفت بلاهارداس Bela Harrach رباعیات را بزبان مجارستانی برگرداند. رباعیات خیام را ودیع بستانی و محمد السباعی و احمد رامی و احمد حامد صرف و جمیل صدقی زهاوی (۱) و سید احمد نجفی بزبان عربی در آوردند. ترجمه ترکی هم بوسیله دکتر عبدالله جودت و فیلسوف رضا توفیق و حسین دانش صورت گرفت.

رباعیات را پیزی pizzi در کتاب خود موسوم به «تاریخ شعر ایرانی» بتوان نمونه بزبان ایتالیایی در آورد و همچنین روگاری V.Rugarli و مچینی M.chini ترجمه های دیگر ایتالیایی را منتشر کردند. ترجمه آلمانی را هم هامرپور گشتال و فردریش روزن منتشر کردند. ترجمه ارمنی هم بوسیله ل. مسرب L.mesrob و میزرا یانس منتشر شد و دکتر محمد شهیدالله زبان شناس معروف ترجمه بنگالی رباعیات را انتشار داد و بالاخره ترجمه کردی رباعیات بوسیله شیخ سلام در سال ۱۹۵۱ در سلیمانیه (عراق) منتشر شد.

۱- جمیل صدقی الزهاوی از اکراد دانشمند عراق است که در زهاوی از شهرهای کردستان عراق چشم بدنیاش گشود. الزهاوی صاحب تألیفات زیادی است. وی مدتی موقتاً بغداد بود.

* * *

زندگینامه شیخ سلام: نامش «سلام» فرزند «شیخ احمد» از سادات «عازبان» ناحیه «وارماو» حلبچه عراق است. پدرش تولد او را در شهری ۱۸۹۲ میلادی مطابق با ۱۳۱۰ کردی در قریه «عازبان» نوشته است.

در سال ۱۸۹۸ پدرش رخت از دنیا بریست و در قریه «خلوزه» که از قراء مریوان ایران است به خاک سپرده شد. سلام خواندن و نوشتن را از چهار سالگی آغاز کرد. درشش سالگی خواندن متون فارسی را شروع کرد ولی از فهم کامل آن عاجز بود، بنابراین نزد استادان فن به تکمیل معلومات پرداخت.

مادرش «رعنا خانم» نام داشت. هنگامی که شوهرش فوت کرد پیش از سی سال از عمرش نگذشته بود مع هذا بعد از پدر سلام شوهر دیگری اختیار نکرد و تربیت فرزندانش دودختر و دو پسر را بعهده گرفت. سلام بکمک دایه هایش خود را برای ادامه تحصیل آماده کرد و به سلیمانیه رفت و در مسجد شیخ عبدالرحمن عازبانی که عمومی او بود به کسب دانش پرداخت، دوران تحصیل او تا سال ۱۹۱۵ میلادی طول کشید.

سلام در دوره تسلط انگلیسها بر خاک عراق دچار محرومیتها و در بدیهای زیادی شد.

سال ۱۹۲۳ بسمت تحصیلدار روانه «وارماو» شد و سال ۱۹۲۷ از این کار استعفا داد. سال ۱۹۳۲ با استخدام اداره راه «پینچوئن» درآمد. سال ۱۹۳۵ به اداره کشاورزی منتقل شد و به سلیمانیه رفت باین ترتیب در جریان نقل و اتصالات متعددی قرار گرفت. تا سال ۱۹۵۵ که دیگر توانائی اینطرف و آنطرف را در خود ندید و خود بکار زراعت پرداخت و در ضمن شعر و ادبیات را هم از نظر دور نداشت و در این زمان بود که رباعیات «حسین نخعی» را از فارسی به کردی ترجمه کرد. دستنویس ترجمه را به آلمان فرستاد و در آن دیار بچاپ رساند.

سال ۱۹۵۹ به قریه «دولان» که متعلق به خودشان بود رفت در آنجا به حمله قلبی مبتلا شد و سرانجام روز سوم مارس ۱۹۵۹ در سن ۶۷ سالگی دارفانی را وداع گفت. بنا بر وصیت خودش جسدش را به سلیمانیه حمل کردند و در گورستان معروف «گردی سیوان» در کنار آرامگاه قهرمانان ملی کردستان، شهیدان،

«مصطفی خوشناو» (۱) و «محمود جودت» (۲) بخاک سپرده شد. دیوان اشعار سلام در سال ۱۹۵۸ از طرف انتشارات «گلاویز» منتشر شد. و قبل از آن ترجمه رباعیات عمر خیام را بسلامیه علاءالدین سجادی در سال ۱۹۵۱ انتشار داد. خود شیخ سلام در خصوص این ترجمه چنین میگوید:

«... میدیدم که رباعیات خیام به بیشتر زبانها ترجمه شده است ... مرا گران آمد که این رباعیات دلانگیز بکردی ترجمه نشود. تا اینکه سال ۱۹۳۸ که در «حله» در اداره کشاورزی مشغول کار بودم وعده دادم که رباعیات را بکردی ترجمه کنم. نسخه‌هایی از رباعیات را بدست آوردم و بالاخره از روی نسخه‌ای که متعلق به حسین دانش بود ترجمه را آغاز کردم اما در سال ۱۹۳۹ یگانه فرزدم از دستم برفت و مدتی ترجمه را فراموش کردم تا آنکه بنا بر توصیه علاءالدین سجادی دوباره دست اندر کار شدم و ترجمه را پایان رسانده و از طرف آقای سجادی چاپ شد» (۳)

رباعیات عمر خیام برای اولین بار در سال ۱۹۵۱ بصورت دوزبانی (فارسی کردی) منتشر شد.

چاپ دوم آن در سال ۱۹۶۷ از طرف کتابخانه (پیرمیرد) در سلیمانیه در چاپخانه کامران طبع و نشر شد. این ترجمه شامل (۲۱۴) رباعی است که در ۹۱ صفحه بقطع جیبی منتشر گردید.

۱- مصطفی خوشناو - از اعضای فعال حزب هیوا (امید) بود و یکی از فرماندهان برجسته جنگ خلق کرد علیه اشغالگران انگلیسی و حکومت وقت بریاست نوری سعید؛ در کردستان عراق بشمار میرفت. «خوشناو» را در سال ۱۹۴۷، انگلیسی‌ها بدست آوردند و همراه چند نفر دیگر اعدام کردند.

۲- محمود جودت از آزادیخواهان معروف کرد است که مدت‌ها در زندان انگلیسی‌ها در عراق اسیر بود در جنگ کردستان عراق علیه متجاوزین انگلیسی و حکومت وقت شرکت فعالانه‌ای داشت.

۳- رباعیاتی خیام - ترجمه سلام - چاپ دوم سلیمانیه ۱۹۶۷ از انتشارات کتابخانه (پیرمیرد)

علاوه بر این سلام کتابهای دیگری دارد که معروفتر از همه (جووله‌کهی کول گیر) است و همچنین مقالاتی از او باقی مانده که در مجله «گلاویز» چاپ شده است.

اینک نمونه‌هایی چند از ترجمه‌کردی رباعیات عمر خیام همراه با اصل فارسی آن در زیر بنظر خوانندگان میرسد:

له‌لای خه‌لق به هه‌شت له‌گه‌ل جوور خوشه

له‌لای من‌ ثاوی ترنی سوور خوشه

هم نقده بگره شو وه عده به رده

که ده نکی ده هول هدرله دور خوشه

(کردی)

گویند کسان بهشت با حور خوش‌است

من می‌گویم که آب انگور خوش‌است

این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار

کاو از دهل شنیدن از دور خوش‌است

(فارسی)

قدومی خه ریکی مه زهدب و دینن

هه‌ندی داماوی شک و به قینن

ها کاه‌ا جارچی ده نکسی هه لیری

هه مووتان کویرن رسی راست ناینن

(کردی)

قومی متفکرند اندر ره دین

قومی بگمان فتاده در راه یقین

می‌ترسم از آن که بانگ آید روزی

کای بیخبران راه نه آنست و نه این

(فارسی)

نامه‌ی جوانیم پیری زو و دری
 خونچش به هاری شادی مه لوه ری
 نه و مهله که واناوی جوانی بوو
 که هی هات نازانم که ی ، بوکوی فری
 (کردی)

افسوس که نامه جوانی طی شد
 و آن تازه بهار زندگانی دی شد
 آن مرغ طرب که نام او بسود شباب
 فریاد ندانم که کی آمد کی شد
 (فارسی)

که ده رچو و گیانی پاکی من و تو
 خشت ریژی نه کن لاکمی من و تو
 دیسان بو خشتی گوری خه لکی تر
 نه یخه نه قالب خاکمی من و تو
 (کردی)

از تن چو برفت جان پاک من و تو
 خشتی دو نهند بر مناک من و تو
 و آنکاه برای خشت گور دگران
 در کالبدی کشند خاک من و تو
 (فارسی)

نهوده شته که واهرر لالهزاره
 گو لاله‌ی خونینی چهن شه هر یاره
 و نهوشه‌ئی ره نگه شین له‌خاکه دپته دهر
 ده نکه خاله که‌ی سهر گونای یاره
 (کردی)

در هر دشتی که لاله‌زاری بوده است
 از سرخی خون شهریاری بوده است
 هر شاخ بنفشه کز زمین میروید
 خالی است که بررخ نگاری بوده است
 (فارسی)

چند ضرب المثل

بره ازبیر نمیترسد اما از گرگ فرار میکنند .
 با دست خالی بجنگ شیر نمیروند .
 عشق و تخم مرغ باید هر دو تازه باشند .
 ماهی که از دام گریخت بزرگ می‌شود .
 مادامیکه خورشید میدرخشد بماه احتیاجی نیست .
 کسیکه دارای محصول خوب است باید تحمل چند خار را هم بنماید .
 اگر ما آنچه بایستی بکنیم می‌کردیم به آنچه بایستی داشته باشیم
 میرسیدیم .
 مانند تهاام بادهای دیگر گرد باد هم خواهد گذشت .

جوانی

جوانی دوره ای است که عاداتها در طی آن پدید می‌آیند و ریشه آن در
 روح انسان پابرجا میشود .
 جوانی چشمه ایست که همه آرزوها و خواهشها از آن سرازیر میگردد
 بنابراین نباید خط سبز جوانی را در راههای خلاف گذراند و عمر را بیهوده
 بهدر داد .
 آنا تول فرانس

غلامرضا قدرتی